

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (۲) وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳) وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِذَا رُتِبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴) ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵) أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَمُتْرَضِعُ لَهُ أُخْرَى (۶) لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)﴾

سوره مبارکه «طلاق» که در مدینه نازل شد، بسیاری از احکام خانوادگی را تبیین کرد، زیرا خانواده اساس یک جامعه هست و خانواده را مثل جامعه، مهر و محبت و ادب اداره می‌کند. همان طوری که جنگ با دشمن را قدرت و قهر اداره می‌کند، تأمین نظام داخلی را ادب و محبت اداره می‌کند و لاغیر! در خلال مسئله طلاق جریان تقوا را که یک رکن اساسی زندگی است مکرر بیان می‌کند. تقوا آن است که انسان در مسیر اراده خدا قرار بگیرد. یک وقت

است اشتباه می‌کند خدا می‌گذرد ولی یک وقت است عالماً عامداً از مسیر بیرون می‌آید این دیگر کار خودش با خودش است.

اگر کسی در صراط مستقیم بود چون تمام برنامه‌های الهی در صراط مستقیم است: ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۱ و هیچ موجودی هم نیست مگر اینکه زمامش به دست خداست و خدا هم تمام کارها را در صراط مستقیم انجام می‌دهد. اگر ﴿مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا﴾^۲ یک؛ ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾، دو؛ پس تمام امور را او دارد اداره می‌کند، این سه؛ هرگز کسی نمی‌ماند، ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً﴾ هرگز نمی‌ماند، چون خدا عهده‌دار اداره امور انسان است و برنامه‌های خدا هم ﴿عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ است. کج‌راهه کار خدا نیست، آن وقت خود شخص باید کارهای خودش را به عهده بگیرد که مقدورش نیست. این «وَلَا تَكُنْ إِلَى نَفْسٍ طَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا»^۳ همین است. اگر - خدای ناکرده - کسی به جایی رسید که خدا او را به حال خودش رها کرد، دیگر او از چه راهی می‌تواند زندگی خود تأمین کند؟ چون تمام کارهای خدا ﴿عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ است؛ لذا هیچ انسان باتقوا نمی‌ماند. این وعده الهی است: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً﴾؛ اگر کار را به دست خود او بخواهد انجام بدهد در سوره مبارکه «انفال» آیه ۲۹ فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً﴾، گاهی خود انسان می‌شود وکیل الهی، ابزار الهی، مجاری فیض الهی که می‌فرماید ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾^۴، اگر در جریان مبارزات با بیگانه، مثل جهاد هشت سال دفاع مقدس فرمود: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾، خدا کار را به دست شما انجام می‌دهد اگر کسی در این مسیر بود در مسائل زندگی خانوادگی، در مسائل اقتصادی در مسیر

۱. سوره هود، آیه ۵۶.

۲. سوره هود، آیه ۵۶.

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۲۴.

۴. سوره توبه، آیه ۱۴.

تقوا بود آن وقت که «یرزکم الله بأیدیکم». آنجا هیچ مجاهدی حق ندارد بگوید من پیروز شدم، برای اینکه فرمود: ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾. شما ابزار دست خدا هستید همین! اگر کسی در مسیر دین بود، تأمین زندگی‌اش هم به عهده خداست؛ منتها به دست او، که خود انسان دست او جزء مجاری قدرت الهی می‌شود. از این بهتر چیست؟ و اگر در صراط مستقیم نبود، مشکل جدی دارد، چون عالم را خدا اداره می‌کند، یک؛ کار خدا هم ﴿عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ است، این دو. اگر کسی کج‌راهه رفت بیراهه رفت عمداً خود را از این فیض محروم کرد، این سه؛ ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى﴾ این جمله اسمیه با «إِنَّ» تأکید شد ﴿إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾. کار خدا هم روی صراط مستقیم است.

بنابراین اگر بخواهید به دست شما انجام بدهد، ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾.

پرسش: تقوایی که بعد از این آیه می‌آید مربوط به همان آیه است؟

پاسخ: آن آیه قدر متیقّنش است وگرنه اصل کلی تقوا شامل موارد دیگر هم خواهد بود. الآن بحث در طلاق است ولی خدا می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾، این معلوم می‌شود که مورد مخصّص نیست قدر متیقّنش آن مورد است و اگر به دست خود انسان بخواهد انجام بگیرد که فرمود: ﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾. آن مشکلی که در بخش پایانی سوره مبارکه «یوسف» است این است که ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾؛^۵ یک غده بدخیم شرکی در درون خیلی از انسان‌ها هست، ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾. این استناد کار به غیر خدا، یا به خود، یا به دیگری، این همان بدخیمی است. از ائمه (علیهم السلام) سؤال کردند که چگونه می‌شود که مؤمن مشرک می‌شود؟ فرمود اینکه می‌گویند: «لَوْ لَا فَلَانُ»

لَهْلَكْتُ»، یعنی چه؟ همین است. یعنی اوّل خدا دوم فلان شخص! خدا اوّلی نیست که دوم داشته باشد. «لَوْلا فَلَانٌ لَهْلَكْتُ» یعنی چه؟ عرض کردند چگونه بگوییم؟ فرمود بگویید خدا را شکر که از آن راه مشکل ما را حلّ کرد، همین! نه اینکه اوّل خدا دوم فلان شخص باعث شفا شد. یا اوّل خدا دوم فلان شخص مشکل ما را حلّ کرد. اگر این غده بدخیم نباشد کسی در کار نمی ماند. زندگی او مرفّهانه است قبلاً هم به عرض شما رسید رفاه غیر از تجمل گرایی و تکاثر و ثروت اندوزی و امثال آن است، آنها که بلاست. نه زاهدانه باید زندگی کنیم که بگویند خیلی سخت است، نه متکاثرانه که منهی است و با عذاب الهی همراه است. ما می خواهیم خوب زندگی کنیم؛ یعنی بی غصّه زندگی کنیم، بدون درد زندگی کنیم، بدون اختلاف زندگی کنیم. این راه را فرمود راه خوبی است. اگر در این مسیر باشید هم خانواده تأمین است هم جامعه تأمین است، هم نظام تأمین است، هم دیگر ما گرفتار پانزده میلیون پرونده نخواهیم بود. شما همین حساب سرانگشتی را که بررسی کنید می بینید این پانزده میلیون پرونده یعنی شصت میلیون شب و روز با هم دعوا دارند. حالا آن بیست میلیون از این هشتاد میلیون یا کودک اند یا پیرزن هستند یا پیر مرد هستند کشوری که شصت میلیون شب و روز با هم دعوا داشته باشند این کشور روی فلاح و صلاح را نمی بیند. اگر - خدای ناکرده - طلاق زیاد است ازدواج دیر صورت می پذیرد برای همین است که آن اساس کار که اصرار ائمه این است که تراور کنید ادب داشته باشید احترام داشته باشید محبت داشته باشید آن اساس نیست. ما جداً باید از تکاثر پرهیزیم که این عیاشی و تجمل گرایی و زراندوزی و اینهاست و به استقبال کوثر برویم که راحت زندگی کنیم. کسی بخواهد درس بخواند حواسش جمع است، کسی بخواهد کار بکند حواسش جمع است. فرمود در این راه باشید راحت هستید؛ اما مرتّب می بینید هر حکم فقهی را که ذکر می کند تقوا را در کنارش ذکر می کند.

بعد می‌فرماید زن‌هایی که طلاق می‌گیرند باید عده نگه بدارند. بخشی در سوره مبارکه «بقره» فرمود که ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾^۷؛ اینها سه حیض باید ببینند، آنهایی که در سن یائسه شدن هستند خیلی روشن نیست، آنها هم سه ماه باید نگه دارند. آنهایی که اهل حیض نیستند آنها هم سه ماه نگه دارند. پس یا سه حیض است، یک گروه؛ دو گروه سه ماهه است؛ یک گروه چهار ماه و ده روز است، آنهایی که عده وفات نگه می‌دارند. گروه دیگر ﴿أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾ که وضع حملشان پایان عده است و عده‌ای که شوهرهای آنها مرده است و باردار بودند اینها باید به «أبعد الأجلین» عده نگه دارند. اگر چهار ماه و ده روز «أبعد الأجلین» بود همان چهار ماه و ده روز و اگر وضع حمل «أبعد الأجلین» بود آن وضع حمل. پس یا سه حیض برای یک گروه، یا سه ماه برای دو گروه، یا چهار ماه و ده روز برای یک گروه، یا وضع حمل برای یک گروه، یا «أبعد الأجلین» برای گروهی دیگر. همه اینها فرمود مسیر زندگی است، اینها احکام است. از این احکام شما فاصله نگیرید، اصلاً ارحام را که می‌گویند ارحام برای اینکه پیوندشان به یک رحم وابسته است. آن کار به عهده مادر هست، از پدر این خاصیت ساخته نیست این رحم مادر است که رحم‌آور است صله رحم می‌آورد خانواده‌ها را به هم مرتبط می‌کند. اکثر مردم باهم خانواده‌اند. پسرعمو هستند، پسر دایی هستند، خاله هستند، پسر خاله هستند، هر قبیله‌ای که رحامت خود را حفظ کند جامعه در کمال امنیت و رحم به سر می‌برد، آن وقت جامعه رحیم مورد عنایت الهی است.

اینجا هم فرمود: ﴿وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾، مسئله «أبعد الأجلین» در حکم دیگری است.

پرسش: ...

پاسخ: بله، دو تا عادل باید باشد.

پرسش: عدالت چیست؟

پاسخ: عدالت که پرهیز از گناه است انجام واجبات و ترک محرمات، این می‌شود عدالت. سه قسم را توضیح دادیم؛ یک وقت عدالتی است که در سوره مبارکه «نحل» است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۸ این گفته شد همین که واجبات را انجام می‌دهد محرمات را ترک می‌کند این می‌تواند پیش‌نماز باشد. این می‌تواند شاهد طلاق باشد. همه اینها مبسوطاً گفته شد. یک قسم دیگر بالاتر از این است که این بخواهد قاضی باشد.

خدا مرحوم محقق و سایر بزرگان را غریق رحمت کند! می‌دانید در تکلیف که نماز بر چه کسی واجب است، روزه بر چه کسی واجب است، می‌گویند بالغ باشد عاقل باشد و اینها، اما وقتی می‌خواهند اوصاف قاضی را بشمارند می‌گویند: «يُعْتَبَرُ فِي الْقَاضِي كَمَالُ الْعَقْلِ» صرف اینکه آدم عاقلی است کافی نیست، «يُعْتَبَرُ فِي الْقَاضِي كَمَالُ الْعَقْلِ». این قضات باید برابر سوره مبارکه «حدید» عادل نباشند، «قَائِمٌ بِالْقِسْطِ» باشند. آن‌که در سوره «نحل» است که ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ این به درد پیش‌نمازی می‌خورد. آن‌که پرونده رومیزی و زیرمیزی او را تهدید می‌کند او اگر عادل باشد آن طوری که یک پیش‌نماز عادل است به درد نمی‌خورد؛ او باید «قَائِمٌ بِالْقِسْطِ» باشد. فرمود ما نوح و امثال او را فرستادیم: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۹ و اگر گرفتار پرونده‌های اختلاسی و نجومی و امثال آن شد، او نه آیه سوره مبارکه «نحل» می‌تواند مشکل را حل کند، نه آیه سوره مبارکه «حدید» می‌تواند؛ گرچه او «قَائِمٌ بِالْقِسْطِ» است ولی در پرونده‌های عادی. در این گونه از موارد آن آیه سوره مبارکه «نساء» که خوانده شد آن لازم است: ﴿كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾^{۱۰} اینکه هیچ چیزی او را نلرزاند. اینکه شما می‌بینید اینجا نیروی انتظامی کشف می‌کند برای اینکه در مرز از بس رشوه گرفتند و دادند که آمدند داخل شهر و گرنه این مواد مخدر که داخل

۸. سوره نحل، آیه ۹۰.

۹. سوره حدید، آیه ۲۵.

۱۰. سوره نساء، آیه ۱۳۵.

شهر نمی‌آید. مشکل مرز حل نشده است آن‌جا هم که رشوه میلیاردری است. آن‌جا «قوَّام بالقسط» می‌خواهد نه «قائم بالقسط» و مسئله قیام هم مستحضریست که کار اساسی را قیام انجام می‌دهد. اینکه وجود مبارک حضرت (سلام الله علیه) جهان را اصلاح می‌کند نه برای اینکه معصوم است و معجزه دارد، ائمه دیگر هم همین طور. آنها هم اگر در همین عصر بودند همین کار را می‌کردند. وظیفه این حضرت قیام به قسط است؛ لذا حضرت با این نام مبارک ظهور می‌کند. وقتی با این نام مبارک ظهور کرد هفت میلیارد بشر زیر مجموعه این قیام هستند. این قیام جهانی دارد نه قیام منطقه‌ای؛ لذا جهان را اصلاح می‌کند. تا قیام به قسط و قیام به عدل نباشد مشکل حل نمی‌شود. همه این اقسام گفته شد.

باز می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾؛ کسی گرفتار سختی و دشواری نیست. ﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ﴾؛ این حکم خداست دستور خداست که نازل کرده. در پایانش هم حالا مسئله تنزل امر روشن تر می‌شود آخرین آیه یعنی آیه دوازده عظمت نزول امر را مشخص می‌کند. ﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾، حالا کسی اهل تقوا باشد یا دفعاً یا رفعاً. اگر دفعاً یعنی از اوّل سعی کرد که خطا فکری و خطیئه عملی به سراغش نیاید، «طوبی له و حسن مآب». اگر نه، گرفتار شد، به توبه راه دارد که خطازدایی کند و خطیئه‌روبی کند، هم در اندیشه از خطا منزّه باشد هم در انگیزه از خطیئه مبرا باشد، فرمود این کار را کردید گذشته از اینکه لغزش‌های شما را خدا صرف نظر می‌کند اجرتان را هم عظیم می‌کند. چیزی را که خدا عظیم بداند مهم است. عظیم هم که مستحضریست غیر از کبیر است. چیزی که دارای عظم و استخوان و دوام دارد به آن می‌گویند عظیم. اگر چیزی استخوان‌دار باشد عظم‌دار باشد محکم باشد به آن می‌گویند عظیم. اجر عظیم یعنی چنین چیزی.

آن‌گاه فرمود مبدا این طلاق به صورت نفرت دریاید: ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ﴾، قبل از طلاق، بعد از طلاق، در همان خانه‌ای که خودتان زندگی می‌کنید و موجودی شماست شما واجدید و اهل جده و داشتن هستید از همان امکانات به همسران بدهید. مبدا حالا که او مطلقه است به او آسیب برسانید! ﴿لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾، فشار بیاورید، سخت بکنید. نه، این بر شما موظف و بر شما لازم است تا این ایامی که در عده است مسکن او را نفقه او را و کسوه او را تأمین کنید.

﴿وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾؛ این اگر باردار است به هر حال فرزند شما را در رحم می‌پروراند باید وسیله تغذیه مادر را فراهم بکنید که این کودک خوب به بار بیاید و اگر این کودک را مادر خواست شیر بدهد چون شیر دادن حق مادر نیست حق پدر هست فرمود اجرت او را پردازید: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾، اینکه درست است مادر است؛ اما شیر دادن مادر نسبت به کودک که واجب نیست بر پدر واجب است. در بسیاری از موارد دارد که مشورت را فراموش نکنید: ﴿وَأَتِمُّوا بَيْنَكُمْ﴾، این «إِئْتَمَر» از باب «افتعل»ی است که کار مفاعله را انجام می‌دهد، مثل «إِخْتَلَفَ». اختلاف گرچه فعل به حسب ظاهر باب افتعال است اما در اختلاف شخص که با خودش اختلاف ندارد حتماً با دیگری اختلاف دارد «إِخْتَلَفَ، إِيْتَلَفَ» اینها باب افتعالی است که معنای مفاعله را به همراه دارد. با یکدیگر اختلاف نکنید، با یکدیگر ایتلاف بکنید. با یکدیگر مشورت کنید. «إِئْتَمَر»؛ یعنی امرخواهی، مشورت کردن، نظرخواهی تا با خرد جمعی زندگی کنید. ﴿إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لَيَقْتُلُوكَ﴾ که به موسای کلیم پیام رساندند همین است؛ یعنی اینها در اتاق فکر نشستند مشورت می‌کنند إئتمار می‌کنند؛ یعنی مشورت می‌کنند تا به تو آسیب برسانند. اینکه می‌گویند «مؤتمر مؤتمر»؛ یعنی یک کنگره یا

نشستی که با یکدیگر براساس خرد جمعی می‌خواهند تصمیم بگیرند. این را می‌گویند «مؤتمر». «إتروا»؛ یعنی با یکدیگر مشورت کنید.

درباره امور شخصی فرمود مؤمنان کسانی‌اند که ﴿وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾،^{۱۱} اما معنای آن این نیست که در مسائل شرعی مشورت بکنند. مسائل شرعی آن شریعت «حکم الله» است نه «امر الناس». اینکه فرمود: ﴿وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾، یعنی آنچه به امر جامعه و خلق برمی‌گردد؛ یعنی موضوعات، آن را با مشورت حل کنند و انجام بدهند؛ اما «حکم الله» که «امر الله» است که به مشورت کسی نیست. البته فقیهان و مجتهدان مشورت می‌کنند تبادل نظر می‌کنند تا بفهمند خدا چه فرموده است و این امر به مشورت برای کشف امر الهی است نه اینکه در امر خدا حکم خدا مشورت بکنند، چون حکم خدا الا و لابد به دست ذات اقدس الهی است. فرمود: ﴿وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾، نه «امر الله». پس شریعت به مشورت نیست، شریعت به وحی است و لا غیر! اما موضوعات و اداره امور و امثال آن این است.

پس یک جا دارد که ﴿وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾، یکی هم در مسائل خانوادگی فرمود إئتمار کنید، مشورت کنید، خرد جمعی کنید، امور خانوادگی را با فکر یکدیگر حل کنید که مبدا - خدای ناکرده - زن آسیب ببیند، یا مرد آسیب ببیند یا اساس خانواده آسیب ببیند.

پرسش: ...

پاسخ: بله شیر را که او می‌دهد؛ اما این حقش وظیفه پدر است، چون روزی فرزند به عهده پدر است. ممکن است واجب باشد برای اینکه فعلاً کسی نیست، اما اگر او نشد یک زن مرضعه دیگر، بر او واجب باشد که شیر بدهد نه، این چنین نیست.

پرسش: ...

پاسخ: روزی اوست و این نفقه به عهده پدر است. وقتی نفقه به عهده پدر بود همه هزینه کودک به عهده پدر است؛ لذا فرمود اگر مادر شیر می‌دهد بر مادر واجب نیست که روزی کودک را تأمین کند. مادر اگر شیر می‌دهد اجیر پدر می‌شود این اجاره است. فرمود: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ﴾. فرق بین مادر و غیر مادر ندارد. پدر موظف است که هزینه کودک را تأمین کند.

﴿وَأَتِمُّوا بَيْنَكُمْ﴾، قبل از طلاق هم همین طور است. فرمود: ﴿إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾؛^{۱۲} اگر اختلافی در داخله منزل شد در آیات قرآن فرمود که بعضی از طرف مرد بعضی از طرف زن به عنوان حکم انتخاب بشوند، دعوت بشوند: ﴿إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾؛ اگر این دو طرفی که حکم هستند از طرف زن و از طرف مرد انتخاب شدند با خرد جمعی می‌خواهند این مشکل را حل کنند حتماً خدا توفیق عطا می‌کند. آن در مسئله طلاق که این حادثه اتفاق نیفتد. این در مسئله ارضاع بعد از طلاق که اتفاق افتاده است. آن جا می‌فرماید که ﴿حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾، اینجا هم می‌فرماید: ﴿وَأَتِمُّوا بَيْنَكُمْ﴾؛ مشورت کنید، چون جزء امری است که این زندگی‌تان به هر وسیله‌ای هست به بهترین وجه اداره بشود.

﴿وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعُ لَهُ أُخْرَى﴾؛ اگر می بینید مادر شیر ندارد یا حاضر نیست در اثر این رخداد تلخ به هر حال یک نگرانی پیش آمد مرضه‌ای دیگر بگیرید، چون بر پدر واجب است که روزی این کودک را تأمین کند. چه در آن مسئله قبلی که مربوط به مادر است چه در مسئله مربوط به کودکان، فرمود: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ﴾؛ کسی که وضع مالی‌اش مناسب است و سعه دارد به اندازه وسعت زندگی‌اش تهیه کند و آن تشریفات بد است اما سختگیری فرزندان و عائله هم خوب نیست. این روایت قبلاً خوانده شد که اگر کسی وضع مالی‌اش خوب است یک حقوق متوسطی دارد یک درآمد متوسطی دارد، ولی نسبت به منزل سختگیر است وقتی می‌خواهد میوه تهیه کند آن میوه‌های ارزان و پوسیده و اینها را تهیه می‌کند این روایات را مرحوم صاحب وسائل نقل کرده که ائمه (علیهم السلام) فرمودند فرشته‌هایی هستند که می‌گویند: «لَا بَارَكَ اللَّهُ لَكَ».^{۱۳} اینها چیست که برای بچه‌ها می‌بری؟ و اگر یک میوه سالمی آورده نه میوه اشرافی‌گری، یک میوه سالمی آورده، فرشته‌ها می‌گویند: «بَارَكَ اللَّهُ لَكَ»، این طایفه روایات را مرحوم صاحب وسائل (رضوان الله علیه) نقل کرده است که شما نسبت به این زیردستان خود سخت نگیرید خدا هم اضافه می‌کند و افاضه می‌کند و سعه رزق می‌دهد.

فرمود: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ﴾، اگر کسی زندگی‌اش سخت است بسته است تنگ است، البته او به مقدار خودش. مکلف نیست که خودش را بزحمت بیندازد، وام بگیرد و یا زیر قرض ربوی برود، این کار را نکند. ﴿فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾؛ هر کسی را ذات اقدس الهی به اندازه وسعی که داد تکلیف می‌کند. ولی ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾، درست است که ممکن است کسی چند روزی آسیب ببیند؛ اما این عسر دوام ندارد، یقیناً بعد از این سختی آسانی هست. ببینید شما ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۵۱؛ «فِي الْجَبْرِ دَعْوَتَانِ وَ فِي الرَّدِّ يُقَالُ لِصَاحِبِ الْجَبْرِ بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَ فِيمَنْ بَاعَكَ وَ يُقَالُ لِصَاحِبِ الرَّدِّ لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَ لَا فِيمَنْ بَاعَكَ».

يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، که یُسْر دوبار تکرار شد، عُسْر هم دوبار تکرار شد، این را ملاحظه فرمودید که این یُسْر بدون «الف و لام» است آن عُسْر با «الف و لام» است. ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، این عُسْر دومی که با «الف و لام» است عین همان عُسْر اوّلی است که با «الف و لام» است. اما یُسْر دومی که بدون «الف و لام» است غیر از یُسْر اوّلی است که بدون «الف و لام» است؛ یعنی دشواری یکی است، آسانی دوتا است. هر جا دشواری باشد آسانی دوتا است. مگر اینکه کسی عمداً به راه خود مشکلی ایجاد کند. در این روایات هست که عده‌ای به صورت حیوانات محشور می‌شوند، به صورت موش محشور می‌شوند! تعجب نکنید که اگر کسی به صورت موش محشور شده! همین‌هایی که اهل احتکار بودند، همین‌هایی که دو تُن دو تُن طلا تهیه می‌کردند اینها غیر از موش چیزی دیگری نیستند. باطن اینها در قیامت روشن می‌شود. اینکه فرمود اینها به صورت حیوانات محشور می‌شوند یا به صورت بوزینه محشور می‌شوند همین است.

من تعجب می‌کنم که چگونه این آیه توانست مهاجرین را راه‌اندازی کند و در ما اثر نمی‌گذارد؟! بارها به عرض شما رسید چگونه مهاجرین مکه را رها کردند بال بال زدند با دست خالی آمدند مدینه؟ اینها می‌خواستند بیایند مدینه، قبلاً در زحمت بودند حالا حضرت هم که از مکه به مدینه تشریف آوردند زحمتشان دو چندان شده. می‌خواستند بیایند مدینه. یک تکه زمین یا خانه داشتند کسی از اینها نمی‌خرید. یک تکه فرش داشتند کسی اجازه نمی‌داد اینها فرششان را بیاورند. آیه نازل شد که شما بال بال بزنید مثل این مرغ‌ها به این فکر نباشید که وسیله داشته باشید خدایی که شما را اینجا تأمین می‌کند در مدینه هم تأمین می‌کند. چگونه این آیه این مهاجرین را راه‌اندازی کرده؟! فرمود: ﴿وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ﴾، فرمود موش‌ها را هم خدا روزی می‌دهد، این کبک و کبوتر را هم خدا روزی می‌دهد. الآن میلیون‌ها ماهی در این اقیانوس‌ها هستند، اینها مگر اهل

پس انداز و بانک هستند؟ این همه مرغ‌ها که می‌آیند برای تالاب بال بال می‌زنند صدها کیلومتر می‌آیند، با دست خالی می‌آیند و با شکم پر برمی‌گردند. فرمود این مرغ‌ها را هم ما روزی می‌دهیم. شما چگونه می‌خواهید زندگی کنید؟ ﴿وَكَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ﴾، یعنی مثل موش نیست! ﴿لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ﴾، شما هم مثل همین پرنده‌ها هستید.

وقتی این آیه نازل شد گفتند عجب! چرا ما بال بال نزنیم با دست خالی نرویم مدینه؟! اینها بال زدند با دست خالی آمدند مدینه، شدن مهاجرین. هنوز هم که هنوز است ۱۴۰۰ سال همه ما به عظمت اینها افتخار می‌کنیم مرتب درود می‌فرستیم مرتب سلام می‌فرستیم. هر جا سخن از مجاهدین است سخن از مهاجرین هم است این قرآن است. اینها نه امام بودند نه امامزاده! نه پیغمبر بودند نه پیغمبرزاده! اینها سوابق خوبی هم که نداشتند در جاهلیت بودند. این قرآن است. اگر این قرآن بتواند مهاجر تربیت کند چرا ما لا اقل در داخله شهرمان مثل موش زندگی کنیم؟! حالا خیلی روشن نیست که کسی چه وقت می‌میرد! اینکه بعضی‌ها بعضی را به صورت حیوانات خواب می‌بینند همین است. این بیان نورانی امام سجاد بود که این روزها روز شهادت و رحلت اوست، از امام باقر بود هم از امام باقر^{۱۴} هم امام سجاد^{۱۵} برای صحرای عرفات بود. فرمود پر از حیوانات هستند. حالا لازم نیست که انسان در دنیا باطن افراد را ببیند، در باطن که می‌بیند. چرا ما به صورت موش محشور بشویم؟ این احتکارها برای چیست؟ این گرانفروشی‌ها برای چیست؟ این ذخیره کردن‌ها و زیاد خریدن‌ها برای چیست؟ فرمود ما این کارها را می‌کنیم، شما خوب زندگی کنید. هر جا سختی باشد یقیناً آسانی هست، دو برابر آسانی هست. این بیخود که یک جا بدون «الف و لام» و یک جا با «الف و لام» نیست، ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾. حتماً آن یکی با «الف و

۱۴. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۱۸۴.

۱۵. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۸.

لام» است حتماً این یکی بدون «الف و لام» است؛ یعنی حتماً هر جا سختی هست آسانی دو برابر است. چرا باید این را گوش ندهیم؟!

فرمود: ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾، یک مقدار فشار می‌آورد تا امتحان کند. ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا ثُكْرًا﴾، بارها به عرض شما رسید این حرف‌ها وعده‌های افراد عادی نیست تا آدم بگوید که اینها وعده می‌دهند و عمل نمی‌کنند. این مکتب ماست هر جا که شهید در راه خدا باشد، آن کشور طیب و طاهر است: «طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ»^{۱۶} می‌دانید کشور طیب آدم آلوده را قبول نمی‌کند رسوا می‌کند. هر کس با مال ملّت یا اختلاس کرد یا نجومی گرفت، طولی نکشید که رسوا شد. فرمود کشوری که خون را داد، این طیب و طاهر است. این مثل باران نیست که فقط خون گوسفند را پاک کند. «طِبْتُمْ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ»، این در روایات نورانی ما، آن هم آیه نورانی که ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾^{۱۷} بلد طیب با خون، میوه طیب می‌دهد؛ یعنی سیب و گلابی می‌دهد یا عدل و عقل می‌دهد؟ این کلام خداست، فرمود کشوری که طیب است میوه طیب می‌دهد. این که کاری به باران ندارد گرچه از ذات اقدس الهی می‌خواهیم که جبران سال گذشته را امسال چندین برابر بفرماید و این کشور را نیازمند به بیگانه‌ها نفرماید باران مناسب تگرگ مناسب برف مناسب عنایت الهی را روزافزون بفرماید به برکت قرآن و عترت؛ اما این باران یک سلسله آثار دارد، آن خون یک اثر دیگر دارد. فرمود بلدی که با خون، طیب و طاهر شد، این میوه طیب و طاهر می‌دهد. حالا چرا ما این طور نباشیم؟

بنابراین این راه باز است، هیچ نگرانی هم نیست. امیدواریم آن حقوق الهی بیش از گذشته ظهور کند.

۱۶. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۲۳.

۱۷. سوره اعراف، آیه ۵۸.

«و الحمد لله رب العالمين»